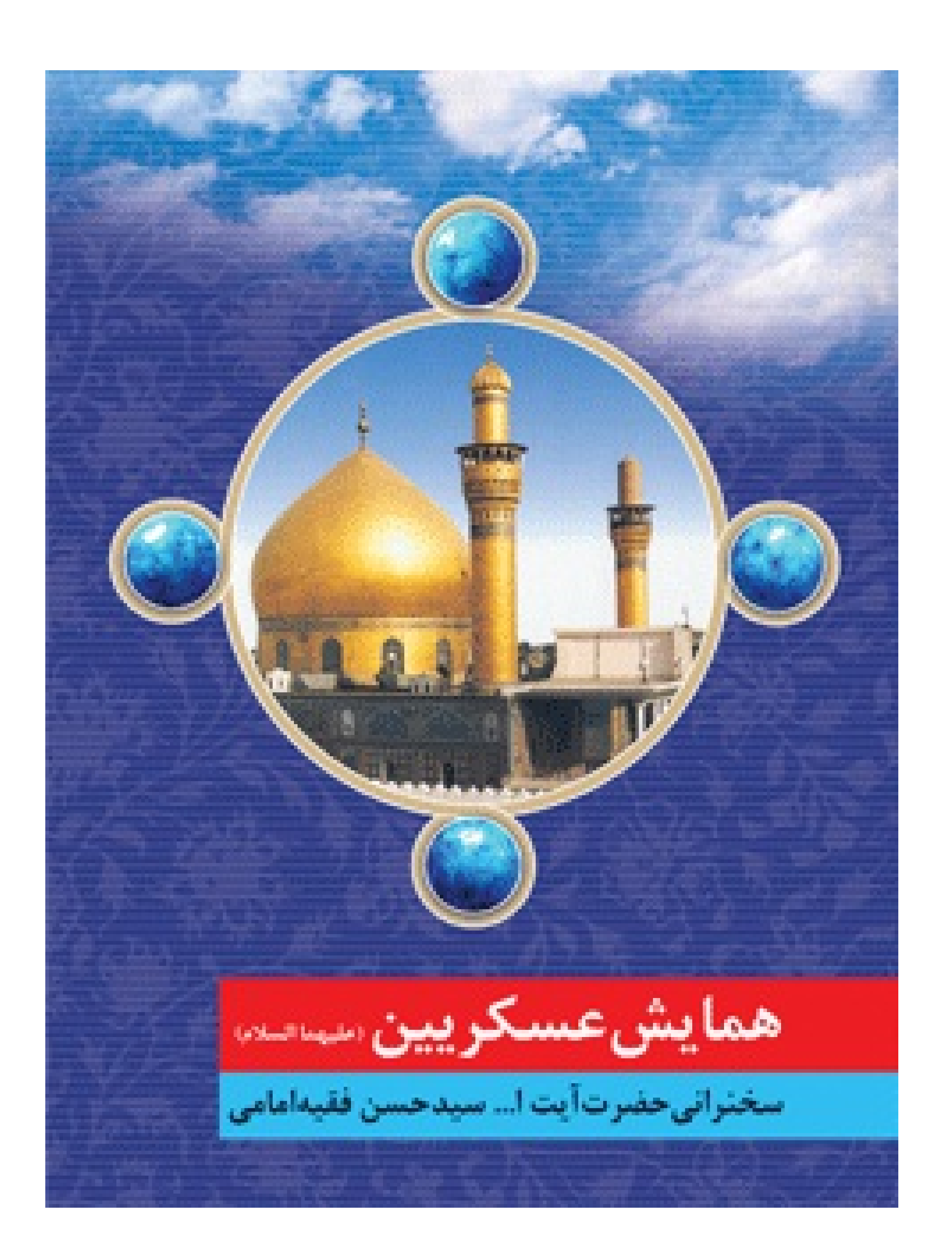

همایش عسکریین (علیهما السلام)
سخنرانی حضرت آیت ا... سید حسن فقیه‌امامی


بسم الله الرحمن الرحیم

همایش عسکریین (علیهما السلام)

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

همایش عسکریین علیهما السلام

مشخصات کتاب

شمارگان ۲۵۰۰

نوبت چاپ اول

تاریخ چاپ ۱۳۸۶

سخنرانی حضرت آیه اللّه حاج سیّد حسن فقیه امامی مدّ ظلّه العالی

در همایش سامرا و تخریب حرم

عسکریّین- علیهما السلام -

متن سخنرانی

بِسْمِ اللّه الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الحمدُ للّه ربّ العالمین حمدًا أزلیًا بأَبَدیّته، و أَبَدیًّا بأَزلیّتِهِ، سَرْمدًا بإطلاقه مُتَجَلِّیًا مرایا آفاقِهِ، و الصلوهُ و السلام علی سیّدِ أنبیائِهِ البشیر النذیر و السِّراجِ المُنیرِ سیِّدنا أحمد و نبیِّنا أبی القاسم مُحَمَّد، واللَعنُ الدائم علی أعدائهم أجمعین مِن الآن إلی قیامِ یوم الدّین.

ابتدائاً تشکر می کنم از همه سروران عزیزی که قدم رنجه فرمودند و به خاطر التیام دردهای دل حضرت بقیه اللّه - أرواحنا له الفداء - در این همایش شرکت کردند.

من واقعاً زبان عذر خواهی ندارم، اجر همه شما با خداوند متعال وامیدوارم که مورد نظر حضرت بقیه اللّه - أرواحنا له الفداء - باشیم.

و عرایضی را خدمت شما تقدیم می کنم و زیاد اوقات شریف شما را اشغال نکنم.

ما مسلمان ها به طور عموم و ما شیعه به طور خصوص خیلی باید خسارت مسامحه را بپردازیم.

امیرالمؤمنین علی- علیه السلام - درد دلشان همین بود. اصحابشان، آن استقامت و آن جدیّت و آن دلسوزی که باید داشته باشند را نداشتند و این مسامحه ها موجب شد که امیرالمؤمنین- علیه السلام - خانه نشین شوند ومشکلات دیگری از این قبیل برایشان پیش بیاید.

ما گاهی باید بنشینیم، فکر کنیم که از کم کاری ها، از بی همّتی ها و از بی فکری ها چه مشکلاتی پیش می آید.

قرآن کریم می فرماید:

«وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»(۱).

اگر ما ایمان

راسخ داشته باشیم، سستی معنا ندارد، حزن و غم، معنا ندارد.

تعارف که نداریم، بهترین ادیان، دین اسلام است و این مسأله ای است که حتّی دشمنان اسلام هم به جامعیّت این دین کامل اقرار دارند.

همین یک ساعت قبل، عدّه ای از آمریکا برای مصاحبه آمده بودند. یکی از سوالات این بود که: پذیرش جوان ها نسبت به اسلام در چه حدّ است؟ گفتم: چون دین اسلام یک دین عقلی است، گرایش انسان ها هر چه بیشتر درس خوانده باشند، به اسلام بیشتر است. و ما به شما توصیه می کنیم مطالعه کنید. بهترین دین در اختیار ماست.

« إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ »(۲).

ادلّه ما، معارف ما، مسائل اخلاقی و احکام فقهی ما، سرآمد تمام معارف و احکام و ادلّه ادیان دیگر است. این ها در مقایسه معلوم می شود.

فرقه شیعه اثنی عشری در میان هفتاد و سه فرقه مسلمین - بدون تعارف، بدون اجحاف و مبالغه - راستی قوی ترین، نیرومندترین و پربارترین مطالب را دارد. حرف برای گفتن دارد.

مثلاً مکتب حدیثمان را با مکتب حدیث اهل سنّت مقایسه می کنیم، می بینیم کدام پربارتر است؟ کدام حجمش بیشتر است؟ کدام پر محتواتر است؟

و همچنین در سایر معارف ما، دوازده امام معصوم داریم که معارفمان را از ایشان می گیریم. یکی از این معارف را هم آنها ندارند.

بنابر این بهترین دین را داریم، بهترین مذهب را هم داریم.

اگر این حربه های قوی در دست هر ملّتی بود، بیش از این از آنها استفاده می کردند.

کم کاری می کنیم، من حالا ـ نمی خواهم بین پیروان ادیان باطله و مذاهب ضالّه و بین عمل کرد خودمان مقایسه کنم. نمی خواهم اسم ببرم

و توضیح دهم چون ترویج باطل می شود. ولی انصافاً کم کاری می کنیم. می توانیم کار کنیم. مخصوصاً ایرانی ها امتحان خود را در دنیا پس داده اند. مغزهای قوی، فکرهای باز و طراح های بسیار چشمگیری داریم. الآن می بینیم که در المپیادها برنده می شوند، در تست های مختلف تست های جهانی برنده می شوند.

معلوم می شود فکر دارند، معلوم می شود که می توانند همّت کنند و به مراحل عالی برسند.

اما در مسائل مذهبی آن طور که باید و شاید کار نمی شود. البتّه مشکل هم هست. باید منصف باشیم.

ما در یک جبهه نمی جنگیم. در جبهه های مختلف باید بجنگیم. با مادیّون یک گونه باید بجنگیم، با ارباب ادیان مختلفه مثل یهود ونصاری گونه ای دیگر بجنگیم، با فِرَق ضالّه هم همین طور. در بین مسلمین هم باید با مذاهب مختلف دست و پنجه نرم کنیم.

کار ساده ای نیست، امّا عجیب است که همین مکتب شیعه جواب گوی همه آنها خواهد بود. یعنی الآن قلم به دست های شیعه چیزی را برای شبهات مخالفین باقی نگذاشته اند. در هر زمینه ای آن چنان کار کرده اند که حدّ و حساب ندارد. ولی باز هم باید عرض کنیم که کم کاری می کنیم دشمن با تمام قوا و چهره های گوناگون ریشه می کَند و وقتی ما احساس می کنیم انحراف دارد، ریشه می زند، همان وقت باید به فکر باشیم و انحرافات را در نطفه خفه کنیم، ولی مسامحه می کنیم، کوتاهی می کنیم، مدارا می کنیم، سازش می کنیم وقتی خوب رخنه کرد، دیگر حریف آنها نیستیم. انحرافات مانند سرطان است، خبر نمی کند وقتی خوب ریشه کرد، آن وقت بروز می کند.

چرا باید در کشور ما وهابیّت بتواند رخنه کند؟

علّتش چیست؟ من بررسی کرده ام و دیده ام

آن وقتی که آثارش ظاهر شده است، دائماً مسامحه کرده ایم، کار به اینجا رسیده، حالا هم مسامحه می کنیم، در آینده خدا رحم کند. آنها خیلی کار کرده اند؛ یعنی استعمارگران راه رخنه کردن را تجربه کرده اند، آموخته اند، می دانند چه کار کنند، ما باید بیدار باشیم!!!

از قول مرحوم آقای صهری- رحمه اللّه علیه – که از خطبای بسیار عالی مقامِ شهر ما بودند، قصّه ای نقل می کنند که تاجری از اصفهان به سمت تهران حرکت کرد، در آن زمان وسیله هم نبود، یک سری وسائل قیمتی هم همراه داشت، غلامش را برداشت و با هم به طرف تهران حرکت کردند ؛ در راه به غلامش گفت: ما باید نوبت بگذاریم. مقداری من می خوابم تو بیدار باش و مقداری تو بخواب من بیدار می مانم، مراقب اموالمان باشیم تا دزد آنها را نبرد.

مقداری از راه را طی کردند تا خسته شدند، به غلام گفت : تو استراحت کن، من بیدار می مانم، غلام استراحت کرد و آقا نشست تا خوب که خواب هایش را رفت، بیدار شد، آقا گفت: حالا من می خوابم تو بنشین و مراقب باش. خوابید، اما نگران بود که نکند غلام خوابش ببرد و دزد بیاید و اموالش را ببرد. بیدار شد، دید غلام نشسته است، گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم. گفت چه کار می کنی؟ گفت: فکر می کنم. گفت: چه فکری می کنی؟ گفت: فکر می کنم میخ طویله را که در زمین می کوبند خاک هایش کجا می رود؟ گفت: خوب تو بیدار باشی کافیست، کار با او نداریم.

مقداری دیگر استراحت کرد و دوباره از خواب پرید گفت : غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم . گفت: چه کار می کنی؟

گفت: فکر می کنم. گفت: چه فکری؟ گفت: این همه خار در این بیابان است، فکر می کنم چه کسی اینها را تیز کرده است، چه حوصله ای داشته یکی یکی بنشیند اینها را تیز کند ؛ تاجر گفت : باز هم خوب است، الحمد للّه بیدار است، و دوباره خوابید.

مرتبه سوم بیدار شد و غلام را صدا زد گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم، گفت: چه کار می کنی؟ گفت: فکر می کنم. گفت: به چه فکر می کنی؟ گفت : فکر می کنم دزد یعنی چه؟ گفت: دزد آدم بیگانه ای است که می آید اموال آدم را بر می دارد و می برد. گفت: دزد این است؟ گفت: بله. گفت: این که همان وقت آمد و اموال را برد.

ما این چنین هستیم، بعد از اینکه اموالمان را بردند و سرمایه های ما را سرقت کردند، تازه می گوییم دزد کیست؟ تازه می خواهیم بفهمیم دزد کیست؟

این خطر بزرگی است، من تاریخ ادیان را بررسی می کردم، دیدم واقعاً چقدر هنرمندانه در کشورهای اسلامی رخنه کرده اند و آنها را متلاشی و نابود کردند. واقعاً این شبهات، تزلزلی ایجاد کرده که تمام این کشورهای اسلام را از هم گسیخته کرده است. حتی در یک کشور به عدد هر سری، یک فکری هست.

چگونه اینها این کارها را کردند؟

ریشه، ریشه عجیبی است، سیصد سال پیش یک نفر یهودی به فکر افتاد که مسیحیّت را متلاشی کند.

گفت چاره ای نیست باید فرقه گرایی کرد. تمام مسیحی های روم، کاتولیک بودند. این شخص یهودی آمد و این فکر را بین آنها القا کرد که در مسیحیّت یک خرافاتی هست، ما باید با خرافات مبارزه کنیم. راه مبارزه با خرافات

این است که ما متّکی به عقلمان باشیم؛ از یک طرف عقل گرا باشیم و از طرفی مساله شفاعت – یعنی این که عدّه ای بیایند واسطه بین مردم و خدا بشوند تا گناهانشان بخشیده شود.– را هم سفره اش را جمع کنیم. فقط و فقط ما انجیل را می شناسیم، آن هم نه با آن دیدگاهی که گذشتگان انجیل را مطالعه می کردند. ما باید انجیل را فقط سند قرار دهیم با قرائت جدید. و طبق همان گفتاری که:

« حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّه »(۳).

از همین دریچه وارد شد گفت:

« حَسْبُنَا اِلانجِیل ».

انجیل بس است ما دیگر احتیاجی به غیر از انجیل نداریم. عقل را کنار انجیل می گذاریم هر جا عقل با انجیل تطبیق کرد که هیچ، هر کجا انجیل با فکر ما منطبق نبود ما انجیل را بر مبنای افکار خودمان منطبق می کنیم.

باید قرائت جدید از انجیل داشته باشیم نوگرا باشیم و این گونه، مکتب پروتستان را به وجود آورد.

مسیحی ها، دو فرقه شدند، یک عده پروتستان و عقل گرا شدند و یک فرقه هم همان راه کاتولیک خود را ادامه دادند. بعد از سیصد سال، هر ساله یک جنگ خونینی بین این دو فرقه وجود دارد. به جان هم می ریزند و کشت و کشتار می کنند. پایه گذار این مفسده یک نفر یهودی است.

خوب، این تجربه در غرب جواب داد. یهودی ها دیدند عیناً همین کاری که با مسیحی ها کردند با مسلمان ها هم بکنند و برای آنها هم برنامه ریزی بکنند و این ها را از هم بپاشند و متفرق کنند تا یدِ واحده نباشند. چون اگر این ها در دنیا با هم متحد شوند، دیگر

غربی، یهودی، مسیحی، هیچ چیز نخواهد بود. اسلام هم امتحان خودش را داده است. اسلامی که با صدهزار مسلمان در صدر اسلام، فتوحات داشته است، این ها همان هستند ممکن است اگر جلویشان باز شد، با هم متحد شوند و برای ما مسئله ساز شوند.

می دانید، یک عدّه از ایرانی های ما هم غرب زده بودند و هنوز هم هستند. در غذا خوردن، در لباس پوشیدن، در طرز تفکّر، در برنامه های اجتماعی، در برنامه های اعتقادی، همه و همه مقلّد غرب اند. نشسته اند ببینند آنها چه کرده اند، این ها هم بکنند. در این مسائل هم دیدند، بد نیست از این روش استفاده کنند.

در فرانسه یک گروهی روشنفکر تربیت کردند. در فرانسه مرکزی هست که در ده سال پیش آمار دادند، صد و پنجاه استاد اسلام شناس یهودی در آنجا مشغول کارند تا ببینند چگونه روی برنامه های اسلام برنامه ریزی کنند تا از بین برود. صد و ٠پنجاه کارشناس اسلام شناس ؟!

الغرض، یک عدّه ای را تربیت کردند و به ایران فرستادند و بعد هم متشکّل شدند و عین همان برنامه ها را پیاده کردند. گفتند: ما قرآن را ملاک قرار می دهیم، عقل هم میزان است. اگر قرآن با عقل سازش پیدا کرد، که هیچ، اگر نشد قرآن را با عقل خودمان توجیه می کنیم. حزب راه انداختند، ارباب قلم را استخدام کردند، از حسینیّه ها استفاده کردند، از روحانیّونی که توانستند به آنها شستشوی مغزی دهند استفاده کردند، از مجالس مذهبی استفاده کردند، منبرها را تبدیل به تریبون کردند.

در تهران سیزده نفر سخنران تربیت کردند که جای منبرها را اشغال کنند و با تریبون با مردم صحبت کنند.

از حسینیه ها استفاده کردند،

حسینیه ای که با پول امام زمان ساخته شده بود، همان حسینیّه را پایگاه قرار داده برای کوبیدن مکتب امام حسین– علیه السلام –، برای مبارزه با عزاداری امام حسین– علیه السلام –، برای مبارزه با تشکیل مجالس امام حسین– علیه السلام –، و این قدر زیبا این برنامه ها را پیاده کردند که ما هنوز هم که هنوز است می گوییم: دزد کیست؟! و دزد یعنی چه؟!

قلمها را به دست گرفتند، اوّلین کاری که کردند (قبل از انقلاب) در ظرف تقریباً ده سال، این بود که شروع به ترجمه آثار مصری ها کردند.

چرا؟ برای این که همان مکتب پروتستان را پروتستان اسلامی را، اوّل در هند پیاده کردند. در آنجا به دست سر احمد خان هندی، دانشگاه به وجود آوردند، و سر احمد خان، دقیقاً قرآن را به آراء عقلی خودش تفسیر کرد. من چهار جلد از تفسیرهایش را موجود دارم. این کاری که می خواستند بکنند، اول به قلم او انجام گرفت و طرحش موفّق هم بود، یک عدّه مسلمانِ نادان، نوگرا، عقل گرا، به آنها گرایش پیدا کردند و این ها موفّق شدند جریان را به مصر منتقل کردند. در مصر چاشنی وهابیّت هم به آنها خورد. یک عدّه از اساتید و روشنفکران مصری را استخدام کردند و آنها با بیان و قلم شروع به ترویج همان افکار کردند.

بعد کار را در عراق دنبال کردند. در آنجا همین برنامه را به دست کسی به نام: «علی الوردی» اجرا کردند.

در ایران، از «کسروی» شروع کردند و این برنامه ها را پیاده کردند. بعد کارها را تقسیم کردند.

من همه این ها را دقیق بررسی کردم. دیدم واقعاً

چقـدر زیبا برنامه ریزی کردنـد. چون اگر یک نفر بلنـد شود و بخواهـد با تمام مقـدّسات شـیعه، یک جا مبارزه کنـد خرد می شود، شکسـتش می دهنـد. برای همین کارها را تقسـیم کردند، قرار شد یک نفر در رابطه با تقلید بحث کند و با آن به وسـیله جزوه، کتاب، سخنرانی مبارزه کند.

و جـالب این است که اگر این هـا بخواهنـد مبـارزه با تقلیـد بکننـد دیگر خودشان را نبایـد مطرح کننـد. اما به مردم می گفتند مراجع را رها کنیـد، ما را بگیریـد. این یعنی تقلیـد از ما. با تقلید مبارزه می کردند، مقلّد برای خودشان درست می کردند. این جالب بود یک کسی بنشیند برای مبارزه با تقلید

یکی قلم در دست بگیرد برای مبارزه با علم امام– علیه السلام –.

یکی قلم در دست بگیرد برای مبارزه با ولایت تکوینی.

دیگری یک کتاب بنویسد راجع به آقا امام حسـین– علیه السـلام – در رابطه با این که جنگ امام حسـین– علیه السـلام – برای حکومت بود ولی موفّق نشد و شکست خورد. و علمی هم نداشت و اطلاعاتی هم نداشت و خبری جایی نبود.

کسی را مأمور کردند برای مبارزه با شفاعت.

و همین طور کارهـا را تقسـیم کردنـد. در قـالب روحـانی و غیر روحانی. هر قسـمتی از افکار و معارف و مقـدسات شـیعه را به عهده یکی گذاشتند تا بکوبد، خرد کند، له کند.

خمس را گذاشـتند به عهـده دیگری و... در عین حـالی که همه ی این هـا از یک جا الهام می گرفتنـد، در ظاهر در قسـمتهای مختلف شروع به کار کردند یکی در اصفهان یکی در تهران یکی در دامغان یکی مشهد.

تقسیم کردند که نتوانیم با

آن مبارزه کنیم. اگر در یک جبهه بجنگیم آن یکی خالی می ماند در این بجنگیم دیگری خالی می ماند. عجیب نقشه را پیاده کردند امّا ما هنوز داریم می گوییم: دزد کیست؟!

کتاب ها را می بینیم قلم ها را می بینیم افکار را می بینیم اعمال را می بینیم مبارزه با روحانیت را می بینیم، همه این ها را می بینیم، باز می گوییم دزد کیست؟!

ما کوتاهی نکردیم؟ ما میدان ها را باز نکردیم تا این ها همه جا را اشغال کنند؟

الآن هم من هشدار می دهم، و می گویم هواستان جمع باشد میدان به این ها ندهید به بهانه های مختلف آوانس ندهید تا این ها خوب رخنه کنند.

یک روز هم دیگر دین در کشور نباشد. این، محسوس است چرا باید یک عده عناصر خائن جرأت پیدا کنند عسکریین- علیهما السلام - را خراب کنند؟ این به خاطر ماست!. جدّی کوتاهی کرده ایم.

ما به این آقایانی که اقدام به این کارها می کنند می گوییم شما چه سودی از این کارها بردید؟

شما چه سودی از تخریب بقیع بردید؟ به جز این که روز به روز نفرت مردم دنیا از شما بیشتر می شود. شما این قدر احمق و نادانید که نمی دانید با خراب کردن مقبره ائمه نمی توانید شخصیت آنها را زیر سؤال ببرید. مگر می توانید محبّت این ها را از دل مردم بیرون کنید؟ این چه کار احمقانه ای است.

شما فکر می کنید اگر ضریح عسکریین- علیهما السلام - خراب شود دیگر شخصیت این ها از بین می رود. تازه در دنیا گل کردند، در رادیو می گفت بوش یک عده ای را استخدام کرده تا بروند راجع به عسگریین- علیهما السلام - تحقیق کنند. بعد می گوید دیدیم این ها دو نفر از شخصیت های بزرگ اسلامی هستند.

دشمن

اقرار می کنـد. صد سال، یا هزار سال دیگر هم عسـکریین– علیهما السـلام – مخروبه باشد این ها از بین رفتنی نیسـتند. علمشان در دنیـا حـاکم است. شخصـیتشان حـاکم است. معنویتشان حاکم است. مگر می شود با این خبرها حقایق را از بین برد؟ منهای این که خدای متعال وعده داده است :

« إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ »(۴)

خداوند وعده حفظ داده است. هم حفظ اسلام و هم حفظ تشیع که دلائل آن در قرآن و روایات موجود است.

این هـا، همه مقـدمات ظهور حجت خـدا در روی زمین است. مگر وعـده خـدا خُلف دارد؟ ما مطمئن هستیم یقین داریم ایمان داریم که سـفره این کثافت کاری ها و این خلاف کاری ها جمع می شود زمسـتان می رود و رو سیاهی به ذغال می ماند. چرا این قدر احمقید؟ آن روز تا حالا که شـما فتوا به قتل شیعه دادید کجا را گرفتید؟ حالا به فرض که چهار تا شیعه هم این گوشه و آن گوشه دنیا کشته شدند شما چه طرفی می بندید؟ حالا فکر می کنید با کشته شدن شیعه دنیا در اختیار شما می آید؟

یک عده عناصر یهودی الاصل، فکر می کنند با کشتن شیعه و مسلمان ها به جایی می رسند!

یک اشتباه!! یک غلط!!

به هر حال ما امیـدواریم ان شاءاللّه بتوانیم ندای خود را به دنیا برسانیم. ندای مظلومیت شـیعه و ائمه شـیعه را به دنیا برسانیم که مظلومیت رمز پیشرفت است و ظلم و ستم رمز نابودی و هلاکت می باشد.

و الحمد للّه با این حرکاتی که این ها کردند با این بمب گذاری ها با این آدم کشی ها با این خشونت ها آنچنان چهره ننگینی در دنیا پیدا

کرده اند که حد و حساب ندارد.

من خیلی نگران بودم چون در دنیا طوری بود که وقتی اسم اسلام به میان می آمد وهابیّت تداعی می شد.

اما با جنگ عراق و این مصیبت هایی که در آن جا پیش آمد مظلومیّت شیعه برای مردم دنیا ثابت شد. نجابت و عفت شیعه برای دنیا ثابت شد. اگر این نجابت را شیعه ها نداشتند این ها چه می کردند؟

اگر می گفتند شما که به خودتان اجازه می دهید ساختمان عسکریین- علیهما السلام - را خراب کنید پس اجازه دهید ما هم به طور وضوح بتهای شما را خراب کنیم، صنمی قریش را خراب کنیم. آن وقت چه می شد؟ می توانستید این آتش را خاموش کنید؟ شیعه نجابت کرده و نجابتش در دنیا به نفعش بود.

مراجع شیعه می توانستند فتوا دهند که شما هم به هر سنّی رسیدید قتل عامش کنید.

الآن فتواهای بعضی از علمای گذشته را نمی گویم که نسبت به اهل سنت چه نظری داشتند. اگر این نظرات را مطرح کنیم آفت می شود.

می گوییم : اِن شاء اللّه این ها مسلمان اند و خونشان هدر نیست. این ها از نجابت و عفت شیعه سوء استفاده کردند. فتوا به قتل می دهند. فتوا به کشتار دسته جمعی می دهند. به عنوان این که شیعیان مشرک اند.

این ها موحّد واقعی هستند که خدا را جسم می دانند؟ یا ما که خطبه های امیرالمؤمنین- علیه السلام - سر لوحه عقایدمان است؟ ما مشرکیم؟!

آن خطبه هایی که احدی در دنیا دهان ندارد که بتواند چنین خطبه هایی به این جالبی را در مورد توحید بیان کند، آیا ما مشرکیم؟!

اُف بر این منطق !!

به هر حال من خیلی از آقایان معذرت می خواهم، امیدوارم که

آقایان هر کدام در حدّ خودشان تلاشی داشته باشند و قلماً و لساناً از شیعه دفاع کنند. و ان شاءاللّه همه ما دست به دست هم بدهیم وجبران گذشته را بکنیم و توبه کنیم از این کم کاری هایی که شده و به این ها اجازه داده شده در ممالك اسلامی این طور شیطنت کنند وفساد راه بیاندازند.

وامیدواریم ناله ما به دنیا برسد و این ها را ان شاء اللّه سر جای خودشان بنشاند.

و از آقایان مراجع بزرگوار که با این برنامه ها همدلی کردند و تشویق کردند به برگزاری این مجالس تشکّر می کنیم.

مخصوصاً از حضرت آیه اللّه العظمی آقای شیرازی - سلّمه اللّه تعالی - و جناب آیه اللّه العظمی وحید خراسانی و آیه اللّه العظمی صافی، و همه آقایان مراجع و علماء و بزرگانی که همدلی و تشویق کردند متشکریم همچنین از آقایان حضّار هم تشکر می کنیم که با شرکت در این مجالس دل امام زمان را ترمیم کردند.

والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

پاورقی ها

۱) آل عمران ۱۳۹

۲) آل عمران ۱۹

۳) بحار الأنوار : ج ۲۲ ص ۳- علیه السلام -۴

۴) حجر : ۹ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹